



اساس سوسیالیسم
انسان است.

سوسیالیسم جنبش
باز گرداندن اختیار
به انسان است.

منصور حکمت

اطلاعیه شماره ۵۰ کمیته کردستان حزب کمونیست
کارگری ایران
**دستگیر شدگان اول مه سقز
آزاد شدند**

درمیان استقبال گرم و جشن و شادی،
دستگیر شدگان به خانواده‌هایشان پیوستند.
پس از آزادی مهدی حسینی در روز سه شنبه (دیروز) امروز
چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۳ (۱۲ مه ۲۰۰۴) ساعت ۲ و
۴۰ دقیقه بعد از ظهر به وقت تهران بقیه دستگیرشدگان اول مه
سقز، محمود صالحی، برهان دیوانگرد، هادی تنومند،
اسماعیل خودکام، محمدعبدی‌پور و محسن حکیمی در میان
استقبال گرم و تقدیم حلقه‌های گل از جانب کارگران و مردم مبارز
شهر سقز و بستگان‌شان آزاد شدند. **در صفحه ۸**

مصاحبه با خالد حاج محمدی و
مظفر محمدی در باره مسائل اول
ماه مه سقز و مبارزات معلمان
صفحات ۵ و ۷

شکنجه زندانیان عراقی،
زهر خند ناسیونالیستهای
ایرانی و کرد

صالح سرداری
صفحه ۳

همراه با منصور حکمت

به مناسبت هفته منصور حکمت

ایسکرا ویژه در باره اتفاقات
پیرامون اول مه در سقز، کمپین برای
آزادی دستگیر شدگان و مطالب و پیامها
در این رابطه، بزودی منتشر میشود

اطلاعیه مجید حسینی
**هشدار به مردم و سازمانهای
سیاسی در باره جاسوسی آشکار
سازمان زحمتکشان ص ۴**

مراسم بزرگداشت سید محمد حسینی
گزارشی از بابک آزادمنش از بوکان
ص ۶

تاریخ را نیز نوشته است و به تاریخ
تلاش بشر برای تغییر وضع موجود
اضافه کرده است. او در زمره مارکس
و لنین و تجسمی است از ترکیب هر
دو در اوضاعی که او فعالیت
کمونیستی و کار حزب سازی را
بنیان گذاشت. نقش این شخصیت
مارکسیست را باید بعنوان انسانی
که تاریخی را میسازد و جنبش
متفاوتی را شکل میدهد و پایه ریزی
میکند، بازشناخت.

از این نظر منصور حکمت چون
جوهر و ماهیت خود مارکسیسم،
"نقد و انتقاد" است و مدام عبور
دادن کمونیسم از محدودیتهای
تاریخی شرایط فعالیت و عرض
اندام آن. **صفحه ۲**



ایرج فرزاد

منصور حکمت یک "شخصیت"
بزرگ است، که نه تنها در تاریخ نقش
مهمی داشته است بلکه صفحاتی از

ایسکرا

سردبیر: ایرج فرزاد

iraj_farzad@yahoo.com

فکس: 00448701687574

تلفن: 0046739555085

چهارشنبه ها منتشر میشود

رادیو انترناسیونال

۲۱ متر، ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹

بوقت تهران

به دیگران اطلاع دهید

radio7520@yahoo.com

رایلو انترناسیونال روی اینترنت

www.radio-international.org

مدیر رادیو انترناسیونال:

سیاوش دانشور

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اولین انتقاد:

"وابستگی" سرمایه داری

منصور حکمت در ماههای پرتلاطمی که به انقلاب ۵۷ مشهور شده است، در لندن دوره دکترای اقتصاد سیاسی را به پایان میرساند. او از مارکس شروع کرده بود و نقد مارکس به جهان مدرن بورژوازی، کتاب کاپیتال او و اساس نقد کاپیتال یعنی کشف ریشه تولید ارزش و ارزش اضافه را خوانده بود و تدریس کرده بود. این انسان تحصیلات خود را نیمه تمام گذاشت و منتظر ارائه تز دکترای خود نماند به ایران و به منظور دخالت در تحولاتی که از نظرجامعی نقد او را داشت تجربه میکرد، بازگشت. منصور حکمت وقتی به سوسیالیسم ایران برخورد کرد، این نقد عجیب و متناقض را دید و تجربه کرد: "سرمایه داری ایران تامغز استخوان وابسته است." او با این سوسیالیسم روبرو شد. اما در همان حال قاطع و مصمم و در عین حال با صبر و حوصله و صمیمانه آن سوسیالیسم را به نقد کشید. "اسطوره بورژوازی ملی و مترقی" و "دو جناح در ضد انقلاب بورژوا امپریالیستی" و "سه منبع و سه جبهه سوسیالیسم خلقی"، پایه های تئوریک و سیاسی و بستر جنبشی سوسیالیسم خلقی را به مصاف طلبید. این نقد، به دلایل اجتماعی، به دلیل به سرانجام رسیدن قطعی پروسه سرمایه داری شدن جامعه ایران و بویژه به دلیل حضور و دخالت جریان سوسیالیسم کارگری در میان جنبش طبقه کارگر ایران، بسرعت مقبولیت یافت و بعنوان يك جریان سیاسی، مارکسیستی و مدافع مارکسیسم ارتدوکس سکان رهبری مبارزه برای تشکیل اولین حزب کمونیستی مبتنی بر نقد کمونیسم ملی و خلق گرا را بدست گرفت. منصور حکمت اولین و بزرگترین مانع فکری اجتماعی و سنتی بر سر راه جنبش کمونیستی و مبارزه سوسیالیستی طبقه کارگر در جامعه ایران را پیروزمندانه پشت سر گذاشت.

رهبر جنبش اجتماعی

کمونیسم کارگری

فرارفتن از رهبر مکتب فکری - روشنفکری

اما برای منصور حکمت مارکسیسم نمیتوانست در محدوده نقد جنبش چپ روشنفکری ایران و بعنوان يك مکتب فکری درجا بزند. با تشکیل حزب کمونیست ایران، دوره ای از تاریخ سوسیالیسم ایران یعنی دوره ائتلاف جنبش ضد ریزیزونیستی و ائتلاف ضد پوپولیستی به پایان خود نزدیک میشد. منصور حکمت دوباره به سلاح نقد روی آورد، در کنگره دوم حزب کمونیست ایران مبنای اساسی کمونیسم کارگری را تدوین و در فاصله کنگره دوم تا سوم آن حزب، بولتن مباحثات شوروی و بررسی علل شکست انقلاب اکتبر را در دستور گذاشت. دوران دیگری از انتقاد و یافتن موانع پیشروی کمونیسم را منصور حکمت باز کرد.

از نظر من یکی از مهمترین آثار منصور حکمت در این دوره ارائه يك نقد سوسیالیستی در تقابل با نقد دمکراتیک از علل شکست انقلاب اکتبر است. طی نزدیک به هفتاد سال، از اواخر دهه بیست قرن بیست تا مقطع فروپاشی اردوگاه سرمایه داری دولتی، نقد رایج و مواضع شاخه های مختلف سوسیالیسم موجود، نقد "دمکراتیک" به اردوگاه "ریزیونیسم" بر دو پایه استوار بود: دمکراسی و ناسیونالیسم و تبیین و تمرکز بر انحراف "تئوریک-فکری" از اصول. منصور حکمت دلایل شکست انقلاب اکتبر را نه در رابطه غیر دموکراتیک حزب و طبقه، نه در بوروکرات شدن حزب بلشویک بعنوان عامل اصلی و نه حتی در جنبه معرفتی و بی اطلاعی از اصول مارکسیسم، که در تسری ندادن انقلاب کارگری به عرصه اقتصاد و بلند نکردن پرچم لغو کارمزدی بعنوان شاخص و وجه مشخصه انقلاب سوسیالیستی و در عدم نقد اجتماعی و تاریخی سنتها و گرایشات بورژوازی دست نشان کرد، مدلل ساخت و در جلد و

مناظره و بحث چون یکی از مهمترین درافزوده های نقد مارکسیستی مکتوب و مستند، به ثبت رساند. شکست انقلاب اکتبر در واقع با تسلط آرمانها و سنتها و آرزوهای دیرین بورژوازی بزرگ روسیه که در پی ایجاد يك کشور بزرگ و قدرتمند و صنعتی بود، میسر شد. اگر این انقلاب به شکست انجامید و اگر بلشویکها درونمای پیروزی آنرا نتوانستند ترسیم کنند، دقیقاً به دلیل نقد نکردن اهداف و آرمانها و گرایش زمینه دار بورژوازی و نقد سوسیالیستی آنها بود. منصور حکمت در نوشته عظیم خطوط يك نقد سوسیالیستی به تجربه شکست انقلاب اکتبر، به يك دوران تاریخی چندین دهه از گنج سری و ابهام و سردرگمی پایان داد.

علیه شرق زدگی، اتکا

به مدنیت غرب و

دستاوردهای حیات

فرهنگی فکری جامعه

اشتباه است که منصور حکمت را نقد و رفع کننده کم و کاستیهای چپ و گرایش سوسیالیستی در درون جامعه ایران و تداوم و ارتقا خطی آن گرایش نامید. "تاریخ شکست نخوردگان"، "دو جناح در ضدانقلاب بورژوا امپریالیستی"، "ماهواره و آل احمدهای پلاستیکی"، "سه جنبش و سه آینده" (در باره سه گرایش ملی مذهبی، کمونیسم کارگری و راست طرفدارغرب)، "چرا حزب کمونیست کارگری در مورد مرگ شاملو اعلامیه نداد"، نقد و برش روشن و شفافی است از شرق زدگی، آل احمدیسم و اسلام زدگی که اتفاقاً کل پیکر آنچه که سوسیالیسم ایران نامیده شده است، از همان دوران های اولیه بروز آن تا حزب توده و جریان چریکی فدائی و مجاهد و تا کل شعب و شاخه های زیر مجموعه گرایش ملی اسلامی را در بر میگردد. در گفته هایش در "کارآزان کارگر خاموش" او همه جا به استانداردهای زندگی و شیوه مبارزه و تشکل های کارگری و مطالبات آنها در غرب و تسری آنها به طبقه کارگر ایران و خواستههایش تاکید میکند. نقطه اوج و درخشان این تلقی از سوسیالیسم بر بستر مدنیت غرب

را در "آیا پیروزی کمونیسم در ایران امکان پذیر است؟" میتوان بخوبی دید. از نظر منصور حکمت جامعه ایران نه اسلامی است و نه شرقی، برعکس بافت این جامعه بویژه پس از قطعیت یافتن پروسه سرمایه داری شدن ایران، يك جامعه شدت دارای پیوندها و علائق با اروپای غربی و مدنیت و استانداردهای آنست. سوسیالیسم منصور حکمت و جامعه سوسیالیستی او، يك جامعه بلوکه شده، بسته و خاکستری نیست.

منتقد دمکراسی و

ناسیونالیسم، دو

جنبش مهم در تقابل با

کمونیسم

منصور حکمت يك کمونیست انقلابی بود که در حزب کمونیستی ساختن تخصص منحصر به فردی داشت. او میبایست برای این نقد خود به نواقص و کمبودهای کمونیسم غیر کارگری حزب بسازد و این حزب را ساخت، اما مقدم بر این کار، او کوهی از ادبیات و گنجینه عظیم پشتوانه چنین جنبش حزب سازی و تحزبی را تدوین کرد، کمونیسم نمیتواند از نقد اوضاع اجتماعی و شرایطی که در آن بسر میبرد دست بکشد و صرفاً به تکرار عام اصول بسنده کند. در پایان دهه هشتاد و آغاز دهه نود قرن بیستم دمکراسی و ناسیونالیسم مینای یورش افسار گسیخته بورژوازی بین المللی و سلاح آن در تعرض به اردوگاه سرمایه داری دولتی و در نتیجه "فاتح" ویرانی و فروپاشی این نوع از سوسیالیسم بورژوازی بود. دمکراسی، تعبیر و واقعیات، "ملت، ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری" آن دو حرکت و بستر اجتماعی بودند که بدون نقد آن، هموار کردن مبارزه برای شکل دادن به مارکسیسم و تحزب کمونیسم کارگری میسر نبود. کمونیسم منصور حکمت در زمان خود و با نقد آن حرکات و جریانات بورژوازی به پیشروی ادامه داد. در بطن چنین تحولات و در آستانه فروپاشی اردوگاه سوسیالیسم بورژوازی است که منصور حکمت تلاش جدی برای تدارک بنیان گذاشتن حزبی مبتنی بر نقد کمونیسم کارگری به مسائل و

معضلات اجتماعی دوره خود به عمل می آورد. اعلام میکند که دوران ائتلاف گرایشات در درون حزب کمونیست ایران به پایان رسیده است، مقدم بر نقد دمکراسی و ناسیونالیسم، "تفاوتهای ما" را مینویسد و حتی بدون ملاحظه و تعصب و پیشداوری، نقد خود به محدودیتهای تاریخی و مقطعی "مارکسیسم انقلابی" بعنوان پرچمی که نیروهای ائتلاف ضد پوپولیستی و ائتلاف "ضد ریزیزونیستی" را تا آن دوره متحد کرده بود، به جنبش ارائه میدهد. منصور حکمت به کنار آمدن با آن حزب ائتلاف گرایشات مختلف و قانع شدن به حزب داری و تشکیلات داری، در حالی که بزرگترین زلزله های سیاسی در حال وقوع بود، هشدار میدهد و تصمیم میگیرد که محدودیت تاریخی مارکسیسم انقلابی و توقف در جدال بر سر باورها و صرفاً در عرصه تئوریک را پشت سر بگذارد. تفاوتهای ما از نظر من یکی دیگر از درخشانترین آثار منصور حکمت و یکی از نوشته هائی است که بنیان کمونیسم کارگری را تدوین کرده است. بحث را تکامل میدهد و وظیفه حزب کمونیستی و جریان کمونیسم کارگری را از روشنگری و تنویر افکار، و از محدوده جنبش روشنفکری چپ ایران در دوره ویژه و سپری شده ائتلاف ضد سوسیالیسم خلقی به عرصه تقابل جنبشها و نقد کمونیسم به جنبشهای هم عصر خود عبور میدهد. دوره دیگری از حیات و بالندگی کمونیسم و مارکسیسم به اتکا این گنجینه تئوریک بدست منصور حکمت رو به جهان باز میشود.

آنجا که قلب کمونیسم

میزند: اجتماع، انسان

به اعتبار انسان

دولت در دوره های

انقلابی، کمونیسم و قدرت

سیاسی، حزب و جامعه

منصور حکمت در شرایطی که انواع شعب سوسیالیسم بورژوازی پس از فروپاشی و سقوط شوروی سابق، خود را منحل میکنند، تغییر نام میدهند و مسابقه ای را برای کنار کشیدن خود از نام مارکس و لنین آغاز میکنند، در

شکنجه زندانیان عراقی، زهرخند ناسیونالیست های ایرانی و کرد



صالح سرداری
sardari@web.de

چند روزی است جنایاتی را که نظامیان آمریکا و انگلیس علیه زندانیان در عراق مرتکب شده اند بیشتر برنامه های رادیو تلویزیون ها و رسانه ها را بخود اختصاص داده است. این رفتار وحشیانه مورد نفرت و بیزاری مردم در سراسر دنیا شده است. احزاب و جریانات مترقی و نهادها و شخصیت های

سیاسی دنیا، دولت های آمریکا و انگلیس را مورد اعتراض قرار داده اند. تنها احزاب و جریانات ناسیونالیست های ایرانی و کرد هستند که بخاطر در تعرض نظامی به جامعه عراق امید به تحرك خود را یافته اند، سکوتی مرموز و سیاست موذیانانه تایید آمیز در پیش گرفته اند. دولت های آقایان

بوش و بلر زیر فشار افکار عمومی مجبور شده اند بگویند بخاطر این "سورفتار" معذرت خواهی کنند. اما حتی وقتی به جنایات خود اعتراف میکنند، خطاب آنها روسای دولتهای "عرب" و کسانی چون شاه اردن است که اتفاقا خود و حکومتهايشان صرفا به اتکا شکنجه و سرکوب و قهر شدید و عریان سر پا مانده اند. بوش و بلر و کل سیستم دولتی در آمریکا و انگلیس به تکاپو فتاده اند تا به همه

قبولانند که این فقط کار چند سرباز و سرجوخه در این ارتش ها بوده است. مرتب دارند از اقدامات مثبت ارتش های خود در عراق صحبت می کنند. می گویند این کار فقط چند نفر از پرسنل ارتش آنهاست. در مقابل فشاری که بر آنها وارد آمده قول داده اند مطابق "قانون" با این اقدامات "خودسرانه" برخورد کنند. انگار حمله ایتکارانه سال گذشته و اشغال يك کشور را

همراه با منصور حکمت♦♦♦(ادامه از صفحه ۲)

شرایطی که همه دمکرات و صرمدار دمکراسی میشوند، با يك دنیای بهتر خود، عرض اندام تحزب کمونیسم کارگری را اعلام میکنند. "پایان يك دوره" از توایت شبیه مارکسیستها و تسلیم شدگان به تعرض بورژوازی بین المللی و سران نظم نوین را قاطع و مصمم اعلام میکنند.

منصور حکمت کمونیسم در حاشیه، کمونیسم گروه فشار، کمونیسم بی اشتها برای تغییر وضع موجود و کمونیسم بی تفاوت به قدرت سیاسی و اجتماعی را کمونیسم و حزب نمیداند. در کنگره دوم حزب کمونیست کارگری میراث و سنت لنین در انقلاب اکتبر را بلند میکند و بحث حزب و قدرت سیاسی را در مقابل حزب قرار میدهد. نقد همیشگی منصور حکمت جای هیچگونه ملاحظه کاری و رعایت منافع صرفا حزب داری و تشکیلات داری را برای او باقی نمیگذارد. در برابر این روی آوری به جامعه و ظاهر شدن حزب کمونیستی در مقام و موقعیت رهبر و سازمانده جامعه، تعدادی از دوستان نیمه راه احساس بی خاصیتی میکنند و راه خود را به بستر عقیم و محفل فشار در حاشیه "جنبش اصلاحات" اسلام سیاسی کج میکنند. منصور حکمت دیگر به قول خودش طی بیش از بیست سال تمام مصالح و بنیانهای تئوریک، تحلیلی و موانع اساسی پیششاری يك حزب اجتماعی کمونیستی را برطرف کرده بود، حزبی متشکل از شریفترین کمونیستهای يك جامعه هفتاد میلیونی، حزب در برگیرنده

انسانهای عبور کرده از بسیاری تندپچههای تاریخی با گنجینه عظیمی از ادبیات از همان دوران سال ۵۷ در دسترس جامعه قرار دارد. منصور حکمت چندین بار گفت و تکرار کرد که "مغز" این کمونیسم شاید دیگر نیاز چندانی به تکامل و بازبینی و بازشناخت خود ندارد. باید زان پس به آنجائی رفت که "قلب" کمونیسم در آنجاها میزند و آنجا جامعه است، میان مردم محروم است، در بین زنان و جوانان است و هر جایی است که انسانی وجود دارد که اگر آن قشر پنهان پوشیده را از روی آنها کنار بزنیم، يك سوسیالیست و انسان برابری طلب نمایان میشود. امر کمونیسم و قلب کمونیسم آنجائی میزند که انسان، اکثریت قریب به اتفاق ساکنین هر مملکت زندگی میکند. و آن مردم حزب کمونیست کارگری را دیگر حتی اگر ما هم نخواهیم از زیر سنگ هم خواهند ساخت. خودش میگفت کمونیسم کارگری را با حزب بلشویک قبل از تصرف قدرت سیاسی توسط آنها مقایسه کنید. منصور حکمت کاپیتال مارکس، نقد فلسفه حقوق هگل، نقد فوئر باخ، ایدئولوژی آلمانی، تزه های آوریل لنین، فرمان تصرف قدرت او به بلشویکها و اعلام حکومت بلشویکها و نقدهای هر دو اینها در مضاف با مسائل و معضلات پیششاری کمونیسم و مارکسیسم در انتهای قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یکم است. منصور حکمت شرایط متعارف و زمینه و بستر اصلی حیات و عرض اندام کمونیسم و حزب کمونیستی را درست در اوضاعی میداند که

کمونیسم با مسائل جامعه، با سازماندهی در مقیاس میلیونی و در اوضاع علنی فعالیت روبروست. او بارها میگفت که برای فعالیت و سازماندهی مبارزه در شرایط مخفی بسیار ساده بوده است. مشکل آنجا سر باز میکنند که کمونیسم مستقیما با جامعه، با مردم عادی کوچه و بازار و امر هدایت و رهبری آنها روبرو میشود. و در این زمینه بود که او بحث "قلب کمونیسم" را طرح کرد. پرشی دیگر از يك حزب صرفا مبلغ و مروج و عادت داده شده به کار در شرایط مخفی، به حزب رهبر و دخالتگر و سازمانده حرکت جامعه و جابجا کردن نیرو. به ما به چپ جامعه و مشخصا به حزب کمونیست کارگری فراخوان داد که باید زان پس خود را برای بازی در این عرصه واقعی، آنچه خود همیشه مرزبندی با جونیورسم و پریدن به قسمت گود استخر مینامید، و برای رنسانس کمونیسم آماده کند. او در مقابل این سوال که چگونه میتوان مارکسیسم را اشاعه داد و حتی ارتقا بخشید و اینکه آیا راه اجتماعی کردن کمونیسم و مارکسیسم صرفا کار تئوریک و و جرح و تعدیل "مکتب" مارکسیسم است، با صراحت و بدون ابهام تاکید میکرد که کمونیسم باید بتواند به قدرت تبدیل شود، باید جایی بعنوان عامل تغییر قدرت سیاسی ظاهر شود، آنگاه روی آوری به مارکسیسم هم "مد" میشود و هر استاد دانشگاهی که خود را چپ میداند عکس مارکس و لنین و پرچم سرخ را در محل کار و کلاس درس خود نصب میکنند. او

میگفت این اتفاقی بود که پس از پیروزی لنین و بلشویکها در سال ۱۹۱۷ افتاد، هزاران محقق و نویسنده و مترجم سوسیالیست پیدا شدند و حتی هر حرکتی برای اعتراض به يك بی عدالتی و ستم زیر پرچم سوسیالیسم اعلام موجودیت کرد. بحث حزب و قدرت سیاسی، حزب و جامعه و باز بحث مشهور او "آیا پیروزی کمونیسم در ایران امکان پذیر است" دقیقا به این ویژگی احزاب کمونیست کارگری توجه میدهد. اما منصور حکمت را باز باید شناخت، او علاوه بر نوشته هایش و آثارش، بنیانگذار يك سنت جدید حتی در منتهای فردی و در رفتار سیاسی و اجتماعی و حزبی است. من در منصور حکمت، انسانی فوق العاده شجاع، انقلابی و در عین حال دارای اعتقاد عمیق به اصول مارکسیسم را دیده ام. علیرغم رفتار نانسانی برخی رفیقان نیمه راه و ناقهرمانان جیون، علیرغم اهانتها و نفرت پراکنیهای تسلیم شدگان همسنگر دیروزی به ناسیونالیسم و قوم پرستی، منصور حکمت با وجود اینکه حتی از ضعفها و برخی بی پرسنسیهای شخصی آنان مطلع بود، اما هیچگاه در قضاوت سیاسی و بویژه آنگاه که رفتگان و تسلیم شده ها به جبهه دوخرداد و دنیای مهجورین حاشیه ای در مقاطع کنار گیریها به غیر سیاسی ترین و ناسالم ترین شیوه ها چنگ زدند، رعایت حرمت و کرامت فردی افراد را از پرسنسیهای خود میداند. منصور حکمت تجسم اوماننیسم و انصاف در جدالهای سیاسی و در مقاطع تعیین کننده جدا شدن خطوط و گرایشات اجتماعی بود. منصور حکمت را باید باز شناخت،

آثار او را بارها مرور کرد، به حرفها و طنزهای شیرین اش گوش داد و با او و همراه او مارکس را، حرمت انسان را، تلاش برای زندگی بهتر را، احترام و اعتقاد به عظمت انسان را و ایمان به تعالی و پیشرفت و شکوفائی بشریت را تمرین کرد، باز آموخت و پراتیک کرد، منصور حکمت زنده است چون تلاش برای دنیائی عاری از استثمار و نابرابری زنده است، چون مارکس زنده است، و چون سنت لنین و سنت منصور حکمت به ثبت رسیده است. منصور حکمت صفحات سفیدی از تاریخ را برای ما نوشته است، به بخشی از این گنجینه عظیم در سایت منصور حکمت مراجعه کنید. بارها مرور کنید و کمونیسم به روایت منصور حکمت را بخوانید و بکار ببرید. منصور حکمت حتی قبل از تصرف قدرت سیاسی توسط حزب او، نظرها را بخود جلب کرده است. در اوضاع پرتلاطم و بحرانی جامعه ایران، باید منصور حکمت این پرچمدار امید به آزادی و برابری و سوسیالیسم را بر تارک جامعه کوید و بشریت را يك بار دیگر برابر يك انقلاب سوسیالیستی که لغو کار مزدی، امحا دولت و طبقات را بشارت میدهد، قرار داد و به از خود بیگانگی انسان نقطه پایانی گذاشت. اساس سوسیالیسم انسان است و سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است. "آیا پیروزی کمونیسم در ایران امکان پذیر است؟" منصور حکمت کماکان راه و شیوه اجرای پاسخ مثبت به این سوال را از ما می طلبد.

زنده باد
منصور حکمت

اطلاعیه

هشدار به مردم و سازمانهای سیاسی در باره جاسوسی آشکار سازمان زحمتکشان

در روزهایی که کارگران در شهر سقز سرگرم تدارک جشن اول مه بودند و بین آنها و کاربدستان رژیم

بر سر چگونگی این جشن کشمکش حادی در جریان بود، باند زحمتکشان مهتدی- ایلخانی به

شکنجه زندانیان عراقی ۰۰۰ (ادامه از صفحه ۳)

مطابق "قانون" انجام داده اند. انگار برای ویران کردن شهرهای عراق و کشتار مردم آن کشور از کسی جواز "قانونی" دریافت کرده اند و تنها اقدامات "خودسرانه" چند شکنجه گر غیر قانونی بوده است. با اینکار می خواهند ارتش های سرکویگر و ضد بشر را که فقط برای کشتن و ویران کردن درست شده اند، پاک و منزه جلوه دهند و از زیر تیغ اعتراض مردم جهان بفرارند. اما حتی خود این ریاکاریها را نمیتوانند بسادگی به خورد افکار عمومی بدهند. رامسفیلد وزیر دفاع حکومت بوش صراحتا اعلام کرده است که تصاویری از شکنجه ها و رفتار وحشیانه با اسرای عراقی در دست دارد که اگر منتشر شوند، کنترل اوضاع غیر ممکن میشود. او اضافه کرده است که همه آن جنایات با نظارت و تحت هدایت و با علم و آگاهی او انجام شده است و مسئولیت آنها را تماما بر عهده میگیرد. وقتی چهره دخالت نظامی آمریکا و انگلیس افکار عمومی و وجدان بشریت را تکان داده است، آقای رامسفیلد برای عبور دادن حکومت خود از بحران، آماده شده است که خود را برای "نجات دمکراسی آمریکا" قربانی کند. بحث و شایعه برکناری و حتی مورد مواخذه قرار دادن رامسفیلد در این زمینه پخش شده و معنی دارد. با اینحال حتی این شکنجه های وحشیانه علیرغم هر ابعادی که داشته است، فقط گوشه کوچکی از کل برنامه وجه ناچیزی از جنایات بسیار عظیم تری است که این جنگ و زیر و رو کردن مدنیت و ساختار اقتصادی و اجتماعی عراق ببار آورده است. این شکنجه ها و

کمک جمهوری اسلامی شتافت و در نوشته ای بتاريخ ۱۱ آوریل ۲۰۰۴ در سایت خود «بروسکه» رهبران و فعالین کارگری این شهر از جمله محمود صالحی را هوادار و عضو حزب کمونیست کارگری ایران نام برد. این کار در شرایطی صورت می گیرد که جمهوری اسلامی به بهانه هواداری و عضویت در حزب کمونیست کارگری ایران دست به

افزادی که دچار این "سورفتار" شده اند باید محاکمه شوند. اما مسببین اصلی سران رژیم های آمریکا و انگلیس اند که سیاست دست بر ماشه و شلیک به هر "مظنون" به مقاومت و ایستادگی در برابر تجاوز را از بیش از یک سال پیش با تمام قوا و بیرحمانه ادامه میدهند. اینها خود جنگ راه می اندازند و مردم را در ابعاد وسیع بدون هیچ ملاحظه ای لت و پار میکنند، که نمونه مجسم آنها در جنایات و قتل عام فجیع مردم فلوجه دیدیم، اما میخواهند با قربانی کردن جند نفر از رده های پایین خود و یا معذرت خواهی از روسای "دنیای عرب" حکومت خود و برنامه انتخاباتی آتی و دستگاه جنایات جنگی را از مهلکه به در ببرند. و این سالوسی و دورویی را چگونه میتوانند به افکار عمومی جهان متمدن حقنه کنند وقتی کسانی چون میلوسویچ را بعنوان جنایتکار جنگی تحویل دادگاه لاهه میدهند؟ کارنامه یک ماه حضور ارتشهای جهان "دمکراسی" آقایان بوش و بلر را با تمام پرونده میلوسویچ مقایسه کنید تا به عمق توحشی که به نام دمکراسی علیه مردم عراق انجام شده است پی ببرید.

اما در این میان، موضع احزاب و جریانات ناسیونالیست ایرانی و کرد در نوع خود منحصر بفرود است. از همان روزهای اول زرمه حمله به عراق اینها را وسوسه قدرت فرا گرفت. در حالیکه بشریت متمدن به این جنگ اعتراض داشت اینها در صف مقابل مردم قرار گرفتند و امید خود را به چکمه نظامیان آدمکش امریکایی و انگلیسی بستند. به حمایت از این جنگ برخاستند و آمریکا را ناجی مردم معرفی کردند. سلطنت طلبان و طیف راست پرو امریکایی به امید

اعداد می زند و با همین اتهام رهبران و فعالین اعتراضی مردم را در محل کار، منازل، مدارس و دانشگاه ها دستگیر، زندانی و شکنجه می نماید. این عمل زشت و این جاسوسی غیر مستقیم و اما آشکار دارو دسته مهتدی برای تکمیل کردن لیست سیاه اطلاعات رژیم و ایجاد فضای نا امن در میان کارگران و برای ضربه زدن به روحیه

اینکه چنین سناریویی در ایران تکرار شود از سیاست های آمریکا و انگلیس حمایت کرده و از شادی این حمله سرز پا نمی شناختند. تلوویزیون ها و رادیوهایشان شب و روز اندر باب موهبات و برکات این جنگ برای مردم داد سخن می دادند و آن را تبلیغ کرده و مخالفین این جنگ را بباد ناسزا می گرفتند. همه را فرا می خواندند که از این جنگ پشتیبانی کنند و می گفتند بعد از عراق نوبت ایران است. حزب دمکرات کردستان ایران نیز که همیشه خود را به سوسیال دمکراسی اروپا آویزان میکرد بر خلاف آنها هر چند با تاخیر، پلنومی اضطراری برپا کرد و در بیانیه ای که از جانب پلنوم صادر کرد از آمریکا خواست که مردم ایران را نیز نجات دهند، در بیانیه نوشت این تنها مردم عراق و کردستان عراق نیستند که تحت ستم قرار داشته اند بلکه مردم کرد هم در ایران تحت ظلم و ستم قرار دارند و بدین ترتیب صراحتا از آمریکا خواست که در ایران نیز چنین کند. اما رذیانه ترین موضع را سازمان قوم پرست عبدالله مهتدی داشتند. هم پدر خوانده های آنها و هم خود سران این باند کمترین تردیدی بخود راه ندادند تا بر تل اجساد لت و پار شده و تکه تکه شده "اعراب" چویی بکشند و پرچم کردستان را به نشانه هلهله و شادی بر جنایات جنگی ارتش آمریکا به اهتزاز درآورند. اینها بر چکه خونین جنایتکاران جنگی لب سائیدند و به پای آنها دم تکان دادند. در شرایطی که مردم جهان متمدن از دیدن گوشه هائی از صحنه شکنجه اسرا و زندانیان توسط بازجویان آمریکا و انگلیس به خشم آمدند، جریانات ناسیونالیست کرد در کنار شکنجه گران ایستادند و باند قوم پرست

مبارزاتی و شور و شوق کارگران در تدارک جشن روزکارگر بود. دشمنی این جریان بمشابه گرایش فاشیسم کردی با مبارزات کارگری، با کمونیسم و هر گونه حرکت آزادیخواهانه ای در کردستان امر تازه و ناشناخته ای برای ما نیست. دست نشان کردن کارگران با الصاق هواداری و عضویت درحزب کمونیست کارگری ایران

زحمتکشان در سکوتی موزیانه در پشت دیوارهای زندان مخوف ابوغریب صدای ضجه و فریاد اسرای "غیر کرد" را شنیدند و با رد و بدل کردن زهرخندی به همدیگر موجودیت و هویت خود را در جنایت و نفرت قومی دگر باره باز یافتند. مفسرین ناسیونالیسم ایرانی و در میان آنها جناب دکتر علیرضا نوریزاده که در مقطع تعرض به مردم عراق بی صبرانه منتظر ادامه چنان جنایاتی علیه مردم ایران نیز بود، فرمودند، اخبار شکنجه ها واقعی نیستند، جعلی اند و از دنیای "دمکراسی" رئیس جمهور بوس بعید است سر زده باشد. اینها میدانستند که ابعاد جنایات ارتشهای آمریکا و انگلیس در عراق چنان آشکار شده بود که متوهم ترین انسانها به خاصیت "آزاد سازی" توسط دخالتگری نظامی آمریکا را بیدار کرد. ناسیونالیسم ایرانی برای جلوگیری از شکست انتظارات و امیدهای ارتجاعی خود تلاش بیهوده ای کرد تا علیرغم اعتراف مقامات سیا و پنتاگون، مسئولیت را از روی حکومت بوش در رابطه با شکنجه اسرا حذف کند. اما این وقایع ناسیونالیسم ایرانی و مفسران و ژورنالیستهای نان به نرخ روز خور آن، احزاب منتظر در کردیورهای حمله و تهاجم نظامی به مردم ایران را نیز مایوس و در مانده کرد. مردم بیش از پیش چشم به راه برون رفت واقعی از این مصائب، و خلاصی از نکبت اسلام سیاسی در ایران و نفرت از جنگ و تجاوز نظامی آمریکا و انگلیس دوخته اند. کمونیسم کارگری و یک دنیای بهتر، این صف و این نقطه امید درخشان در تلاش برای آزادی و برابری است. به این صف بپیوندید.

۱۱ مه ۲۰۰۴

مصاحبه ایسکرا با خالد حاج محمدی در باره وقایع پیرامون دستگیری برگزارکنندگان مراسم اول مه سقز



کل این دوستان جلال حسینی، محمود صالحی، برهان دیوانگر، هادی تنومند، اسماعیل خودکام، محمدعبدی پور و محسن حکیمی که در این مدت در اعتصاب غذا بوده‌اند از دیروز طی یادداشتی اعلام کرده‌اند که با توجه به خواست خانواده‌هایشان و مردم اعتصاب غذا را بعد از ۱۰ روز پایان دادند. این کار خوبی بود که کردند و اصغر کریمی رئیس هیئت دبیران حزب نیز روز ۱۷ اردیبهشت طی نامه‌ای از آنان درخواست کرده بود که اعتصاب غذا شیوه مناسبی نیست و به آن پایان دهند. علیرغم وضع نامناسب جسمی این

۲ نیم بعد از ظهر از زندان سقز آزاد شد و در میان استقبال گرم خانواده و دوستانش به خانه بازگشت. بدون تردید آزادی جلال حسینی انسان محبوب و شریف و آزاده که سالهاست برای بهبود زندگی کارگران تلاش میکنند مایه خوشحالی مردم شهر سقز و تمام کسانی است که در این مدت صمیمانه برای آزادی او و بقیه دوستان دستگیر شده تلاش کردند. من نیز در این واقعه خود را در کنار آنها میبینم و در شادی آنان شریک هستم. خود را در شادی شاهی عزیز که مرتب به دوستان پدرش با شور و شوق میگوید "پدرم آزاد شد" و مادر شاهی عایشه جهانپور، شریک میدانم و این واقعه شیرین را به آنان تبریک میگویم.

این مصاحبه توسط اسماعیل ویسی انجام شده است

اسماعیل ویسی:

کمیته کردستان امروز خبر آزادی جلال حسینی از فعالین کارگری سقز را داد. در اطلاعیه کمیته کردستان همچنین آمده است که بقیه هم قرار است آزاد شوند. دوست دارم شما به عنوان کسی که مسئولیت کمپین حزب در کردستان را به عهده داشته‌اید، بدانم چه احساسی دارید؟ و در ضمن ماجرا از چه قرار است و آخرین خبر در مورد بقیه چیست؟

خالد حاج محمدی:

جلال حسینی امروز سشنه ساعت

مدتی بود میان فعالین کارگری و مقامات رژیم از اداره حراست و اطلاعات گرفته تا فرمانداری... بر سر مراسم اول مه کشمکش بود. مقامات رژیم برای منحرف کردن حرکت کارگران و رهبران مسئله مراسم دولتی را پیش کشیدند و به خانه کارگرها مجبور دادند. مقامات جمهوری اسلامی بارها فعالین کارگری را تهدید کردند و از آنها خواستند که در مراسم خانه کارگر شرکت کنند.

فعالین کارگری به دست زیر بار زور رژیم نرفتند و بر مراسم مستقل خود پای فشردند و گفتند که اگر هم جمهوری اسلامی به آنان مجوز ندهند، مراسم خود را در خیابان برگزار میکنند و همین هم اتفاق افتاد.

به نظر من اگر حمله فوری نیروی انتظامی نبود هزاران نفر از مردم در این مراسم شرکت میکردند و آنوقت دیگر حتی اگر هم نیروی انتظامی دخالت میکرد، کاری از دستش ساخته نبود. اگر این اتفاق می‌افتاد کلی فضای اعتراضی را در کل شهر به نفع کارگران و مردم و به زبان کارفرمایان و رژیم عوض میکرد. مقامات رژیم این را بخوبی تشخیص داده بودند و به همین دلیل در اولین لحظات و قبل از جمع شدن توده مردم به مراسم حمله کردند.

اسماعیل ویسی:

کمیونست کارگری برای آزادی دستگیر شدگان اول مه فوری کمپینی اعلام کرد. اولاً تاکنون چه اقداماتی را حزب پیش برده است و در داخل ایران هم چه تحرکاتی حول این مسئله صورت گرفته است؟ عکس العمل رژیم چه بوده است؟

خالد حاج محمدی:

همچنانکه اشاره کردید ما فوری کمپینی را اعلام کردیم و در این رابطه رحمان حسین زاده دبیر تشکیلات کردستان حزب نامه‌ای به اتحادیه‌های کارگری و کلیه نهادهای مدافع حقوق انسان داد و از همه خواست که علیه جمهوری اسلامی و برای آزادی این دوستان تلاش کنند. بدنبال کاظم نیکخواه مسئول تشکیلات خارج کشور طی نامه‌ای ضمن اعلام کمپین از همه مردم... خواست که به این کمپین بپیوندند. واحد های حزب در کشورهای مختلف از آمریکا و کانادا تا دهها کشور در اروپا و استرالیا و...

دوستان که بعد از ۱۰ روز اعتصاب غذا کاملاً طبیعی است، همگی از روحیه‌ای بالا برخوردار و روی خواستهای خود پای فشردند و از آن کوتاه نیامدند. غیر از جلال بقیه دوستان هنوز در زندانند و هر چند قرار است آزاد شوند اما مادام که از زندان بیرون نیامده‌اند هنوز باید برای آزادی آنان کوشید. آزادی جلال نباید کوچکترین تأثیری روی کم کردن فشار به جمهوری اسلامی تا آزادی همه دستگیر شدگان از جانب ما و مردم و همه نهادها، اتحادیه‌ها و... باشد که خود را در تلاش برای آزادی آنان سهیم میدانند.

اسماعیل ویسی:

امسال وزارت کشور جمهوری اسلامی، به استناداری و فرمانداریها اعلام کرد که از دادن مجوز رسمی برای برگزاری مراسمهای اول ماه مه، خود داری کنند، اما با اینوصف کارگران و مردم آزادیخواه، بطور مستقل در شهرهای کردستان، مراسمهای خود را برگزار نمودند. در شهر سقز نیروهای سرکوبگر به مراسم مستقل فعالین کارگری حمله کردند و عده ای را دستگیر و زندانی کردند. بنظر شما، چرا حکومت این حکم را صادر و چرا به مراسم شهر سقز حمله، و این فعالین را دستگیر و زندانی کرده است؟

خالد حاج محمدی:

مجوز از جانب رژیم خاصیتی که داشت این بود که موانع شرکت وسیع مردم را در اول مه که همانا ترس از حمله رژیم و دستگیری و ضرب و شتم باشد، از سر راه برمیداشت. این باعث میشد مردم وسیعاً در مراسمها نتنها در سقز و سنندج و بوکان بلکه در کل ایران شرکت میکردند. اگر ترس از سرکوب را از سر راه مردم بردارید مراسم اول مه در شهرهای ایران به میدان قدرتمندی میلیونی کارگران و مردم تبدیل میشد. قبول این برای جمهوری اسلامی ایران چیزی جز انداختن تناب مرگ به گردن خود نبود. به همین دلیل جمهوری اسلامی این حکم را صادر کرد تا با چنین کابوسی روبرو نشود و دست نیروهای سرکوبگرش را برای حمله و ارباب باز گذارد. دلیل حمله به مراسم سقز را همین میدانم که توضیح دادم. در سقز

سیاسی و هر کسی که خود را چپ می داند و ذره ای ارزش برای کارگر و مبارزات انقلابی قایل است باید سازمان مهنتی ایلخانی را محکوم کند. نوع برخورد به این سازمان می تواند بعنوان محک ارزیابی از هر جریانی در نظر گرفت. آن جریانات بقایای چپ سنتی که در حاشیه جامعه مانده اند و برای بازار حقیر اتحاد عملها با سازمان زحمتکشان اعلامیه مشترک برگزاری اول مه می دهند و یا در برخورد به جاسوسی اخیر آن سکوت اختیار کرده اند، اکنون چه جوابی برای کارگران و مردم آزادیخواه دارند؟ چه جوابی به نامه ها و اطلاعیه های وسیع اعتراضی کارگران در چهار گوشه جهان دارند؟ کدام مصلحت سیاسی این سکوت و کنار آمدن این سازمانها و محافل را توجیه می کند؟ ما بارها هشدار داده ایم که سازمان زحمتکشان سازمان سیاسی نیست، باندی است دست ساز و سرهم بندی شده برای ایجاد مزاحمت بر سر راه مبارزه آزادیخواهانه در کردستان، باید آنها را طرد و رسوا و منزوی کرد.

۱۱ ماه مه ۲۰۰۴
مجید حسینی

هشدار به مردم و سازمانهای سیاسی

ماهیت باند سیاهی آن و تنگی میدان عرصه اندام این جریان در صحنه سیاسی جامعه کردستان مایه گرفته است. این دو رویی و جعل سازی و همین روشی که در مورد کارگران در سقز انجام داده است، یکی از پایه های نهادینه شده سازمان زحمتکشان از بدو تولد آن بوده است. موارد بسیار فراوانی از این قبیل هست و هر بار حزب کمیونست کارگری ایران در مقابلش سد ایجاد کرده و حقایق را در اختیار مردم قرار داده است. در مورد معتادان در شهرها، سو استفاده از محبوبیت جان باختگان کمیونست، تحریک اتحادیه میهنی برای کشتار مجاهدین در جریان حمله آمریکا به عراق، فراخوان دادن به محصلین که هفته اول شروع مدارس با زبان کردی صحبت کنند، تهدید مردم و باج خواهی از آنها و بالاخره خزیدن هر چند وقت یکبار عبدالله مهتدی در پوست مهین و امین صادقی، فقط بخش کوچکی از آن نوع اعمالی است که اخیراً نسبت به کارگران در سقز تکرار شده است. هر نیروی

برای رژیم یک روی این سکه در این ماجرا است روی دیگر آن اطلاعیه ۱۳ اردیبهشت همین دارو دسته در محکوم کردن حمله به کارگران سقز است. این اطلاعیه دورویی و وقاحت این جریان را نشان می دهد. اگر کسی و یا سازمانی مایل است سازمان زحمتکشان را خوب بشناسد، جاسوسی برای رژیم در یک طرف و در طرف دیگر محکوم کردن حمله رژیم به کارگران را در پناه هم قرار دهد تا چهره کامل این جریان را ببیند و روش کار اینها را بشناسد. با این شیوه سازمان زحمتکشان میخواید دو بار از این ماجرا به نفع خود بهره برداری کند، یک بار از طریق دشمنی با کارگران و ضدیت با رادیکالسیم موجود در جامعه بار دیگر در جلد دلسوزی برای کارگران و تغییر سریع چهره است. با این نمایش می خواهد بازار گرمی کند و ظرفیت و نرخ خود را در نزد رژیم اسلامی و جریانات راست ارتجاعی بالا ببرد. این اعمال ظاهراً متناقض و دو گانه تنها رکن پایدار و ثابت ناظر بر فعالیت این جریان است که از

در مراسم هفته منصور حکمت شرکت کنید

مباحبه با خالد حاج محمدی

به اتحادیه‌ها و نهادها و مراجع بین‌المللی مراجعه کرده و آنان را در جریان ماجرای اول مه سقز قرار داده و خواهان اعتراض به جمهوری اسلامی شدند. تاکنون و در همین مدت ۱۰ روز تعدادی از اتحادیه‌ها نامه اعتراضی به ریاست جمهوری و مقامات رژیم اسلامی نوشته که ترجمه تعدادی از این نامه‌ها را منتشر کرده‌ایم. در تعدادی از کشورها از جمله

در سوئد و آلمان و بلژیک اکسپونها اعتراضی راه انداختیم. مرتب افکار عمومی را هم در سطح ایران و هم در سطح جهان و بخش زیادی از رسانه‌ها را هر روزه در جریان آخرین خبرها قرار داده‌ایم. مرتب اخبار این فعالیتها را منتشر کرده و تمام تحركات و اعتراضاتی که در خود ایران صورت گرفته و اخبار آن بدست ما رسیده است را نیز در ابعاد وسیع پخش کرده‌ایم. در داخل ایران نیز تلاشهای زیادی را کردیم که به تحركات اعتراضی به سهم خود شکل دهیم و روی آنها در جهت وسعت دادن و فشار آوردن بیشتر به جمهوری اسلامی تاثیر بگذاریم. خوشبختانه هم در سطح جهان و هم در داخل ایران موجی از اعتراض و تنفر علیه جمهور اسلامی و در دفاع از زندانیان شکل گرفت. در ایران تحركات معینی صورت گرفت که بسیار خلاصه میتوانم به حرکت جسورانه خانواده دستگیرشدگان اشاره کنم.

در این میان نامه‌های اعتراضی عایشه جهانپور، مریم اصغرپور و نجیبه صالح زاده و نامه جمعی خانواده دستگیرشدگان نمونه‌های بسیار خوبی بودند. اعتراض هر روزه خانواده‌ها و حرکت اعتراضی روز یکشنبه دوم مه که ۱۵۰ نفر در مقابل دادگاه انقلاب در سقز تجمع کردند خیلی مهم بود. در همین مدت طومارهای اعتراضی صدها نفر مردم از شهرهای سقز و

منفی بازی کردند. بارها خودم شاهد بودم که میگفتند حزب کمونیست کارگری با کمپینی که برای محمود صالحی راه انداخته دارد با جان او و کارگران بازی میکند. امروز بخشی از این نیروها و جریانات و آدمها هر چند هنوز سکتاریسم و منافع حقیر گروهی از سرپای کارشان میباید اما دارند بخشی از کاری که ما چهار سال قبل کردیم و اینها در مقابلش ایستادند را تکرار میکنند. این خود جافتادن سنتی است که ما کمونیستهای کارگری سمبل آن بودیم و برای آن تلاش کردیم و شخصا از ثبیت آن خوشحالم.

توجه به یک نکته جالب است که میتواند واقعه خوبی در نشان دادن رادیکالیسم و فضای بالای اعتراضی مردم و حول دستگیریهای اخیر باشد که گفتنش خالی از لطف نیست. و آن نقشی است که سازمان زحمتکشان بازی کرد. واقعیت این است که اگر بخواهید مجرمین دستگیری کارگران در اول مه سقز را معرفی کنید بعد از جمهوری اسلامی باید سراغ سازمان زحمتکشان رفت. اینها درست یکی دو هفته قبل از دستگیریها اخیر نوشته مشکوک و پلیسی را که سنديکای خبازان سقز و شخص محمود صالحی را به به ما منتسب میکرد و به این صورت مدرک برای مرکز اطلاعات جمع‌آوری میکرد تا بتواند دستگیرشان کند را، مدتها مثل دادن آدرس و سر نخ دادن به نهادهای اطلاعاتی رژیم اسلامی روی سایتشان می‌گذاشتند. اما همینها امروز از ترس همین فضای اعتراضی دارند نامه در محکومیت جمهوری اسلامی برای زندانی کردن این دوستان را میدهد. با اینحال نباید نقش جاسوسی این دارو دسته بعنوان يك جریان ضد کارگری و ضد کمونیستی پنهان بماند.

گزارشی از برگزاری مراسم در گذشت سید محمد حسینی در بوکان

بابك آزادمنش از بوکان

انسانی ابراز همدردی و تسلیت به بازماندگان این شخصیت محبوب را ابراز کردند. این مراسم بهانه‌ای شد برای آشنائی بیشتر مردم معترض و آزادیخواهان، بصورتی که در تمام مدت مراسم که چند روز به طول کشید جو مراسم مملو بود از فضای آزاد برای ابراز عقاید و اعتراض و تنفر از رژیم کثیف اسلامی. اکثر شرکت کنندگان در این مراسم به یاد داشتند که همین سید کمونیست از طرف جمهوری اسلامی حکم اعدام را دریافت کرده بود، میدانستند زندان و تهدید نتوانست سید محمد را از اعتقاداتش باز دارد. همین مردم به خوبی میدانستند که سید محمد هیچ وقت دست از افشاگری بر علیه رژیم بر نداشت. جمع زیادی از شرکت کنندگان بدون آنکه سید را از نزدیک بشناسند بخاطر ضديت او با جمهوری اسلامی و اعتقاد داشتن ایشان به آزادی و برابری انسانها در این مراسم شرکت کردند. جمع زیادی از این شرکت کنندگان در عرصه‌های مختلف مبارزه از زندان گرفته تا سازماندهی اعتراضات مردم بر علیه نظام سلطنتی و جمهوری اسلامی هم‌رزم او بودند، رفقای هم‌زمش خاطراتی زیادی از مبارزات گذشته خود را برای دیگر شرکت کنندگان باز گو کردند که باعث تشدید روحیه مبارزه جوی شرکت کنندگان شد. لازم به ذکر می باشد عده‌ای زیادی از جوانان آزادیخواه و رادیکال در این مراسم شرکت داشتند، و در مراسم اول مه را بهم تبریک گفته و از همانجا خود را برای شرکت در مراسم اول مه سقز اعلام کرده بودند.

به تمام شرکت کنندگان در مراسم این انسان عزیز و کمونیست درود می فرستم.

**گرامی باد یاد و خاطره سید کمونیست!
زنده باد کمونیسم
کارگری!**

۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۳

جمعیت زیادی از مردم بوکان و روستاهای اطراف و دیگر شهرهای کردستان سید محمد حسینی را بخوبی میشناختند و از اعتقادات ایشان مطلع بودند، به همین خاطر او را "سید کمونیست" نام گذاشته بودند و خودش از این لقب خوش حال و مسرور بود و به آن افتخار می کرد، سید کمونیست همیشه اعتقادات خود را اشکارا اعلام می کرد و از ابراز آنها واهمه نداشت. به خاطر همین روحیه مبارزه جوی و ك بودنش معروف و خوشنام بود او مردم را دوست داشت و به اتحاد مردم زحمتکش و کارگر اعتقاد داشت. مردم هم او را یار و یاور خود میدانستند به همین خاطر در اولین لحظات پخش خبر در گذشتش دسته دسته زنان، جوانان و مردم آزادیخواه به طرف خانه اش روان شدند. روز پنجشنبه نهم اردیبهشت ماه، هزاران نفر از مردم آزادیخواه و دوستدارانش در مراسم به خاک سپاری ایشان در گورستان بوکان شرکت کردند. مردم زیادی تقریباً از تمام شهرهای کردستان (اشنویه، نقده، مهاباد، سقز، سنندج، کامیاران) و دیگر شهرها و روستاهای اطراف بوکان و سقز بطور وسیع شرکت کردند. قرار بود بعد از برگزاری مراسم اول مه در سقز جمع زیادی از کارگران و شرکت کنندگان در مراسم بطور دسته جمعی به خانه اش بروند که با یورش جانبان اسلامی به مراسم این کار صورت نگرفت. شرکت وسیع مردم در این مراسم از حد يك مراسم معمولی گذشته بود و این بخاطر نفوذ و شخصیت محبوب و دوست داشتنی در میان مردم آزادیخواه و کمونیستها بود. مراسم بزرگداشت در گذشت سید برخلاف مراسمات سنتی، ویژه گیهای خاص خود را داشت در این مراسم با مناسبات و رسم و رسوم مذهبی از تعزیه گرفته تا فاتحه خوانی فاصله وجود داشت، به این رسومات مذهبی اهمیت داده نشد و بیشتر مردم با احساس

مصاحبه با مظفر محمدی در باره اعتراضات اخیر معلمان در شهرهای کردستان

این مصاحبه توسط اسماعیل ویسی انجام
شده است



اسماعیل ویسی: معلمان در شهرهای مختلف در کردستان برای رسیدن به خواسته‌هایشان، از جمله حقوق و مزایای ماهیانه که بتواند کفاف زندگی شان را بدهد، بارها دست به مبارزه و اعتراض زده اند. موقعیت اعتراضی معلمین در چه شرایطی است؟

مظفر محمدی: این مبارزات نوسان زیادی داشته است. گاهی پیشرف کرده و گاهی با رکود روبرو گشته است. هر وقت مبارزه معلمان اوج میگیرد، مقامات رژیم به تکاپو میافتند و مرتب صحبت از پاسخگویی و وعده و وعید به معلمان است. نهایت پاسخگویی رژیم به معلمان تصویب طرح طبقه بندی مشاغل و افزایش ۲۰ درصدی حقوق معلمان است. تازه بحث بر سر چگونگی اجرای این طرح و کسری بودجه آن و پروسه تحقیق در مورد اینکه این طرح شامل چه کسانی میشود و به نه، خود کش و قوسهایی دارد که ممکن است چند سالی به طول بیانجامد. خلاصه اینکه رژیم میخواهد با کش دادن این مسئله معلمان را خسته کرده و به خانه بفرستد و از طرفی با وعده های توخالی و یا افزایش ناچیز حقوق معلمان بخشی از آنها را راضی و یا ساکت کند. آنچه روشن است و در آخرین اعتصاب یکروزه معلمان در سراسر کشور نشان داده شد این است که معلمان به افزایش ناچیز ماهانه و وعده های رژیم راضی و قانع نیستند و گفته اند که مبارزاتشان را ادامه میدهند. اما این مبارزات همانطور که تا کنون شاهدش هستیم با موانعی روبروست که نه به علت مخالفت رژیم یا مسئله اختناق و سرکوب آن، بلکه اساسا ریشه در میان خود معلمان دارد.

اسماعیل ویسی: معلمان خواسته‌هایشان را در قطعنامه هایی مطرح کرده اند، با اینوصف، بنظر شما اهم مشکلات و موانع سر راه پیشروی شان چیست؟ این موانع چگونه برطرف خواهند شد؟

مظفر محمدی: خواسته‌های معلمان تا حدودی روشن است. میگویم تا حدودی، چرا که مثلا هنوز و تا کنون معلوم نیست میزان افزایش حقوقی که معلمان میخواهند چقدر است. آمار خود رژیم نشان میدهد که ماهانه ۳۰۰ هزار تومان هنوز زیر خط فقر است. بنابراین معلمان چقدر باید حقوق بگیرند تا از زیر خط فقر در آیند. تازه با احتساب تعداد اعضای هر خانواده معلم. من قبلا هم در سخنی با معلمان گفته ام که ۵ برابر شدن حقوق معلمان برای يك خانواده ۵ نفره هنوز به معنای يك زندگی مرفه نسبی نیست. معلمان گفته اند که خواهان رفع تبعیض و برخورداری از يك نوع زندگی مرفه و متناسب با شأن زندگی انسانی میباشند. معنی عملی این یعنی چه؟ رژیم میگوید ۲۰ درصد اضافه میکند، معلمان چقدر میخواهند؟ ۲۰ درصد اضافه حقوق از نظر رژیم یعنی همان زندگی متناسب با شأن انسانی، مگر انسان نزد این رژیم شأنی بیشتر از این دارد؟ بنابراین معلمان باید بطور روشن و صریح بگویند که حداقل حقوقشان باید آنقدر باشد که آنها را از زیر خط فقری که رژیم خودش به آن اذعان دارد بالا بیاورد و این یعنی حد اقل ۵ برابر برای يك خانواده كوچك معلم، نه تنها در مورد افزایش حقوق بلکه در همه موارد خواسته‌های معلمان باید بسیار روشن و دقیق باشد. اگر قرار است محتوای کتب درسی تغییر کند و

سیستم آموزش و پرورش مدرن شود استاندارد این تغییر و مدرنیزه کردن چیست؟ باید این را روشن کرد و صریح گفت که دخالت مذهب در آموزش و پرورش، بهر شکلی در محتوی کتب درسی و یا اجرای فرایض و مراسم مذهبی و یا حجاب اجباری برای زنان معلم و دانش آموزان دختر و کشیدن دیوار بین انسانها و جداسازیها، یا گمراهن حراست در مدارس که کارشان تفتیش عقاید و کنترل رفتار و روابط و حجاب معلمان و دانش آموزان است... ممنوع شود. اما این يك جنبه مسئله است. اما مانع جدی دیگر که هر پیشرفتی به حل آن بستگی دارد، عدم حضور توده وسیع معلمان در مبارزه برای حقوق انسانی شان است. علارغم اینکه معلمان در تشکل صنفی سراسری و محلی متشکل شده اند اما این تشکل هنوز دربر گیرنده همه معلمان نیست. نه انجمنهای صنفی توانسته است توده وسیع معلمان را در سطح سراسری و محلی بسیج کند و نه توده معلم پشت تشکها و فعالین و رهبران و نمایندگان خود ایستاده اند. قبلا هم گفتم دلیل اصلی این کمبود اختناق نیست. اگر چه هنوز وقتی از يك فعال جنبش معلمان میپرسی که چرا همه معلمان بسیج نمی شوند؟ اولین جواب این است که خیلیها میترسند. اما چه کسی میتواند این واقعیت را انکار کند که اگر چند هزار معلم يك شهر و حدود يك میلیون معلم سراسر ایران بخواهند يك روز یا يك هفته سر کلاس نروند و اعتصاب کنند، آیا رژیم میتواند یخه تك تك این جمعیت میلیونی را بگیرد؟ قطعا نه. مگر معلمان بجز احقاق حقوق انسانی و ابتدایی اقتصادی و سیاسی‌شان چه خواسته و چه کرده اند؟ هنوز نه شیشه ای شکسته و نه

یخه مدیرکل و یا وزیری پاره گشته است؟ آزادی بیان، اعتصاب وتشکل تنها حربه معلمان برای کسب حقوق انسانی‌شان است. باید این را بدست آورد. این شرط اول برای رسیدن بهر خواستی است. تا زمانی که از دهها و صدها مدرسه يك شهر فقط ۵، ۶ مدرسه تعطیل میشود و یا از دهها معلم يك مدرسه، نصفشان سرکلاس نمیروند و اعتصاب میکنند و بقیه کار عایشان را ادامه میدهند، این به رژیم و مقامات و حراست بهانه میدهد تا عده ای را تحت فشار قرار دهند و یا تهدید کنند. بنابراین معلمان نه تنها در برابر وضعیت فلاکتبار زندگی خود و خانواده هایشان مجبور و موظف به تلاش برای تغییر و بهبود این زندگی هستند بلکه در برابر همکارانشان هم که در این راه پا پیش میگذارند و جدیت و پافشاری به خرج میدهند و به فراخوانها و تصمیم برای اعتصاب و تحصن و تجمع پاسخ مثبت میدهند نیز مسولیت دارند.

رژیم در اوج ضعف و زبونش است و معلمان از موقعیت اجتماعی و شخصیتی بسیار خوبی در جامعه برخوردارند. باید این توازن قوا را برسمیت شناخت. اگر کسانی هستند که فکر میکنند، "نمیشود" یا "نمیتوان کاری کرد"، "بی فایده است، جواب نمیدهند"، و از این قبیل، هم به نیروی خود ناباور یا کم باورند و هم توازن قوا را تشخیص نمیدهند. اگر این موانع برطرف شوند و معلمان همه یکپارچه و يك صف واحد به میدان بیایند میتوانند با استفاده از نیروی عظیم اجتماعی چه به لحاظ کمی و چه کیفی، رژیم و نوکرانش را به تسلیم در برابر خواسته‌هایشان مجبور کنند.

اسماعیل ویسی: عوارض منفی و ضد انسانی سیستم نظام آموزشی اسلامی در مدارس و موقعیت فلاکتبار اقتصادی معلمین، بطور قطع دانش آموزان را هم تحت تاثیر قرار داده است. بنظر شما وظیفه دانش آموزان در این مقطع چیست؟

مظفر محمدی: دانش آموزان هم مانند معلمان قربانی این سیستم مذهبی و ارتجاعی و قوانین و مقررات و دروس ارتجاعی

هستند. نوشتن تاریخ زندگی نسلی که در جمهوری اسلامی بزرگ شده چنان تراژیک و غم انگیز است که دل هر انسانی را به درد می آورد. روزی سران و نوکران رژیم در مقابل جرم و جنایاتی که نسبت به این نسل مرتکب شده اند پاسخگو خواهند بود. این روز نزدیک است. جالب است که در مبارزات اخیر معلمان و بخصوص در اعتصاب و تحصن يك هفته ای اسفند گذشته بارها نوکران رژیم در وزارت آموزش و پرورش و اطلاعات، این مجرمین و زالوهای جامعه، معلمان را سرزنش کرده‌اند که با این کار به دانش آموزان و به قول آنها به بدنه جامعه ضرر رسانده و یکهفته از درس مدرسه محرومشان کرده اند! چه بیشرمی و قبیحانه ای! دانش آموزان نزدیک ترین همکار و هم سرنوشت معلمان در مبارزاتشان هستند. بهبود وضع زندگی معلمان و تغییر محتوای کتب درسی و سیستم آموزش، بهبود فوری در فضای مدارس بوجود آورده و محیطی انسانی و آزاد و راحت را فراهم می‌آورد. این را باید به دست آورد. من فکر میکنم بدون شرکت دانش آموزان و حتی حمایت خانواده هایشان و جامعه این کار آسان نخواهد بود. پشتیبانی دانش آموزان از معلمانشان تنها کاری نیست برای خیر و مصلحت معلمان، بلکه مستقیما به سرنوشت خودشان مربوط است. معلمان و تشکلهای و شخصیت‌هایشان هم باید روی این نیروی عظیم پشتیبان بطور جدی حساب کنند و حمایتشان را مدام فراخوان دهند. علاوه بر آن اگر معلمان در برابر مسایلی چون دستگیری کارگران شرکت کننده در اول مه سقز عکس العمل نشان دهند و این عمل رژیم را محکوم کنند و با ارسال نامه از طریق تشکلهایشان خواستار آزادی فوری زندانیان شوند، همبستگی و حمایت وسیعتر کارگران و جامعه را نصیب خود میکنند. ***

**به حزب کمونیست
کارگری بپیوندید**

دستگیر شدگان اول مه سقز آزاد شدند

آزادشدگان همراه مردمی که با دهها ماشین به استقبال آنها رفته بودند به خانه‌هایشان برگشتند. به نشانه جشن و پیروزی ماشینها چرخهایشان را روشن کرده و بوق میزدند و مردم شهر در مسیر حرکت برایشان دست تکان میدادند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران در جشن و شادی مردم شهر سقز و کارگران آزاد شده و خانواده‌هایشان شریک است. این پیروزی بزرگ را به کارگران و مردم آزادیخواه ایران، به دوستداران حزب کمونیست کارگری در شهرها که با ابتکارات مختلف و طی طومارهای اعتراضی برای آزادی دستگیر شدگان تلاش کردند، به تمام اتحادیه‌های کارگری و نهادهای

مدافع حقوق انسان در سطح جهان که با ارسال نامه‌های اعتراضی بر جمهوری اسلامی فشار گذاشتند و در آزادی دستگیر شدگان نقش مهمی ایفا کردند. تبریک میگویم. همینجا از تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری و همه کادرها و رفقای دست اندرکار این کمپین در سطح بین‌المللی باید بینهایت قدردانی کرد. بدون تلاش گسترده و مستمر تشکیلات خارج حزب و همه رفقای دست‌اندرکار، این درجه از کسب حمایت و اعمال فشار بر جمهوری اسلامی ممکن نبود. بار دیگر همبستگی کارگری و همسرنوشتی انسانی نقش مهمی ایفا کرد و رژیم هار اسلامی را به عقب‌نشینی وادار کرد.

زنده باد همبستگی جهانی کارگری زنده باد جمهوری سوسیالیستی

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۳ (۱۲ مه ۲۰۰۴)

از میان اطلاعیه های کمیته کردستان حزب

مبارزه معلمان

در اطلاعیه شماره ۴۲ آمده است: روز یکشنبه ۱۳ اردیبهشت اعتصاب سراسری معلمان انجام شد و در شهرهای "سنندج، سقز، بوکان، پاوه، کامیاران، مهاباد و مریوان و ... هزاران نفر از معلمان در ادارات آموزش و پرورش اجتماع کردند تا بر خواسته‌های خود پافشاری کنند.

کمیته کردستان حزب در این اطلاعیه خطاب به معلمان از جمله چنین فراخوان داده است:

شما از موقعیت اجتماعی و شخصیتی بسیار خوبی برخوردارید. شما ان قشر محبوب به هیچ کس بدهکاری ندارید و صمیمانه و دلسوزانه نسلها را آموزش میدید. میلیونها دانش آموز از متحدین شما معلمان هستند. شما از سمپاتی میلیونها انسان در میان خانواده دانش آموزان و کل جامعه برخوردارید. این توازن قوای اجتماعی را همه معلمان و بخصوص تشکیلات و نمایندگان شما را بسرمیت بشناسید و این يك شرط اساسی در پیگیری قاطعانه خواسته‌های عادلانه و فوری معلمان است. هنوز نیروی معلمان به تمامی به میدان نیامده است و هنوز آن سمپاتی وسیع اجتماعی پشت خواسته‌های عادلانه و انسانی معلمان بسیج نشده است. نیروی آکتیو در مبارزات کنونی، یکصدم کل نیروی اجتماعی معلمان نیست. این مشکل باید به شیوه های گوناگون و تلاشهای بی وقفه شما جبران شود. ... نباید به این جانپیان و غاصبان نان و رفاه و زندگی معلمان فرصت زبان داری و تهدید و تعقیب معلمان و نمایندگان تشکیلهای معلمان را داد.

تنومند، محمد عبیدی پور، اسماعیل خودکام و محسن حکیمی را دستگیر و زندانی کردند.

در اعتراض به دستگیری و زندانی کردن این فعالین کارگری و آزادیخواه، جدا از کمپین گسترده ای که حزب کمونیست کارگری ایران در اروپا و آمریکا مشغول به پیشبرد آن است. در ابعاد اجتماعی در کردستان نیز تاثیرات خاص خود را داشته است. و علیرغم فشار و تهدیدات اطلاعات جمهوری اسلامی که نباید طومار اعتراضی علیه دستگیریهای اول ماه مه جمع آوری شود، نامه های سرگشاده و تومارهایی توسط همسران و خانواده دستگیر شدگان و زندانیان نوشته و وسیعا در داخل و خارج کشور پخش شده اند و در اختیار اتحادیه ها، احزاب و نهادهای مختلف اروپا و آمریکا و کانادا گذاشته شده اند. همینطور توماری اعتراضی از طرف کارگران مردم سقز و سنديکای خبازان بوکان خطاب به مردم شهرهای سقز، بوکان، سنندج و شهرهای دیگر، تهیه شده که توسط کمیته کردستان حزب بازتکثیر شده است.

مضمون این نامه های اعتراضی و رفتار سرکوبگرانه و ضدانسانی جمهوری اسلامی موضوع يك کمپین وسیع توسط حزب کمونیست کارگری شده است و کمپین برای آزادی دستگیر شدگان و افشای ماهیت رژیم اسلامی در رفتار خشونت آمیز با مراسم اول مه و اهانت و تحقیر و شکنجه دستگیر شدگان کماکان در ابعاد وسیع ادامه دارد. ایسکرا ویژه به این مناسبت بزودی انتشار خواهد یافت.

اعتصاب سراسری و تداوم

صفری، قطارچیان، کلکه جار، پخش شد و در میدان اقبال کارت تبریک حزب کمونیست کارگری به مناسبت این روز در قطع بسیار بزرگ نصب شده بود.

در سقز از غروب روزهای ۵ شنبه و جمعه مردم به استقبال اول ماه مه رفتند. در محلات حاجی آباد، کمر بندی، کشتارگاه، چم ولی خان، شهناز، میدان یادبود، شریف آباد، بهارستان، سیلو، کریم آباد، شهرک دانشگاه، کارت تبریک حزب کمونیست کارگری و پیامهای حمید تقوایی و رحمان حسین زاده به مناسبت اول ماه مه پخش گردید. همچنین باندرولهای "زنده باد اول ماه مه، زنده باد کمونیسم کارگری، زنده باد منصور حکمت، زنده باد انقلاب کارگری، گرامی باد روز جهانی کارگر" در کمربندی، میدان شهناز، میدان یادبود و میدان معلم در قطع بزرگ نصب شده بود.

در شهرهای کامیاران و سردشت، کارت تبریک حزب به مناسبت اول ماه مه پخش شده بود. در مریوان بدین مناسبت در دو بلندی اطراف شهر و همچنین میدان دارسیران آتش روشن دشته بود. و در تجمعات و گروههای متعددی مراسم روز کارگر جشن گرفته شد. ..

حمله مزدوران رژیم اسلامی به متینگ اول مه در سقز در اطلاعیه شماره ۳۹ آمده است؛ مزدوران جمهوری اسلامی متینگ کارگران در پارک کودک شهر سقز را مورد حمله قرار دادند. تعدادی از کارگران مبارز و شرکت کنندگان از جمله "محمود صالحی، سید جلال حسینی، برهان دیوانگر، هادی

تصمیم خود، پس از ۸ ساعت کار روزانه، دست از کار کشیده و منتظر تصمیم و جواب دولت و صاحبکار نشده اند.

گرامیداشت روز جهانی کارگر در شهرهای کردستان

برگزاری مراسمهای اول ماه در کردستان از سالها قبل به همت فعالیت سیاسی - اجتماعی کمونیستها، به يك سنت جا افتاده تبدیل شده است، اما امسال حکومت اسلامی از هفته های قبل از فرارسیدن اول ماه مه روز جهانی کارگر، رژیم اسلامی برای تقابل و جلوگیری از برگزاری مراسمهای اول ماه مه در شهرهای کردستان، آماده کرده بود و از طرف وزارت کشور به استانداری کردستان و فرمانداریها دستور داده شده بود که از دادن هرگونه مجوز قانونی به کارگران، برای برگزاری مراسمهای اول مه خود داری کنند. با اینوصف در اکثر شهرهای کردستان، مراسمهای وسیع برگزار شد.

در اطلاعیه شماره ۴۱ آمده است: در سنندج، با وجود مخالفت مقامات رژیم برای صدور مجوز قانونی، در پارکهای اطراف شهر سنندج مراسمها و تجمعات متعددی از کارگران و خانواده هایشان برگزار گردید. در این اجتماعات قطعنامه سراسری کارگران پخش و خوانده شد. در بلندیهای کوه آبیبر آتش روشن کردند. کارت تبریک، پیامهای حمید تقوایی لیبرحزب و رحمان حسین زاده، دبیر کمیته کردستان حزب، به مناسبت اول مه در محلات "حاجی آباد، تازه آباد،

از این شماره ایسکرا تنظیم فشرده اطلاعیه های کمیته کردستان و جمع بندی اهم اخبار و رویدادها را در فاصله دو شماره ایسکرا آغاز کرده ایم. مسئولیت تنظیم این صفحه از طرف سردبیر ایسکرا به من واگذار شده است.

اسماعیل ویسی

۸ مه ۲۰۰۴

نگاهی به اطلاعیه های اخیر کمیته کردستان حزب

در اطلاعیه شماره ۳۵ بتاريخ ۴ اردیبهشت ۸۳ به جمع اعتراضی کارگران خباز سنندج اشاره شده است که در آن کارگران خواستار شده بودند که به جای ۱۲ تا ۱۶ ساعت کار در دو شیفت که به شدت کارگران را خسته و فرسوده میکند، ۸ ساعت کار و از ساعت ۶ صبح تا ۲ بعد از ظهر کار کنند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران از دیگر بخشهای کارگری در سنندج خواسته بود که از مبارزه و خواست کارگران خباز بهر وسیله ممکن از جمله نوشتن نامه پشتیبانی و طومار و غیره حمایت کنند.

در اطلاعیه شماره ۳۶ آمده است: روز ۵ اردیبهشت کارگران خباز از ساعت ۲ بعدازظهر، از کار دست کشیده و کلیه نانوايیها تعطیل شده و در محل سنديکای خود در خیابان فردوسی تجمع کردند. همزمان کارگران همراه با ادامه اعتراضات و تجمعات خود، بنا به